

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وزارت علوم تحقیقات و فناوری
دانشکده تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد
رشته برنامه ریزی درسی

مطالعه اثربخشی رویکرد یاددهی – یادگیری مشارکتی در مقایسه با
رویکردهای سنتی در دبیرستانهای دخترانه منطقه ۱۴ تهران

استاد راهنما:

دکتر عیسی ابراهیم زاده

استاد مشاور:

دکتر مهران فرج الهی

پژوهشگر:

لیلا صیامی

پاییز ۱۳۸۴

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
.....	۱-۱- مقدمه
.....	۱-۲- بیان مسئله
.....	۱-۳- فرضیه‌های تحقیق
.....	۱-۴- اهمیت و ضرورت پژوهش
.....	۱-۵- اهداف پژوهش
.....	۱-۶- کاربرد پژوهش
.....	۱-۷- تعریف عملیاتی واژه‌ها و اصطلاحات

فصل دوم: پیشینه پژوهش

.....	بخش اول: مبانی نظری
.....	۱-۲- مقدمه
.....	۲-۲- تاریخچه روش‌های تدریس
.....	۳-۲- تکوین روش تدریس و آموزش
.....	۴-۲- تاریخچه روش‌های آموزش و پرورش در ایران
.....	۵-۲- مراحل مهم آموزش
.....	۶-۲- انواع محیط‌های آموزش
.....	۷-۲- تقسیم بندی روش‌های و فنون بندی
.....	۸-۲- محور آموزش نوین
.....	۹-۲- مقایسه محیط‌های یادگیری سنتی با محیط‌های یادگیری جدید
.....	۱-۹-۲- راهبردهای یاددهی - یادگیری سنتی
.....	۲-۹-۲- راهبردهای یاددهی - یادگیری مشارکتی
.....	۱۰-۲- دیدگاه‌های عمده یادگیری مشارکتی

-۱۱-۲- روشهای یادگیری مشارکتی
-۱۲-۲- ویژگی رویکردهای یادگیری مشارکتی
-۱۳-۲- مزایای یادگیری مشارکتی
-۱۴-۲- عوامل موثر در رویکردهای یادگیری مشارکتی
-۱۵-۲- فرایندهای یادگیری و انگیزش در یادگیری مشارکتی
-۱۶-۲- اندازه گروه در یادگیری مشارکتی
-۱۷-۲- جایگاه معلم در رویکردهای یادگیری مشارکتی
-۱۸-۲- دیدگاه برخی از متخصصین تعلیم و تربیت در حمایت ارزشهای یادگیری مشارکتی

بخش دوم: پیشینه تحقیق

-۱-۲- پژوهش انجام شده در خارج از کشور
-۲-۲- پژوهش انجام شده در ایران
-۳-۲- نمودار تحقیق میدانی

فصل سوم: روش شناسی پژوهش

-۱-۳- مقدمه
-۲-۳- روش پژوهش
-۳-۳- جامعه آماری
-۴-۳- نمونه آماری و حجم نمونه روش نمونه گیری
-۵-۳- ابزار اندازه گیری پژوهش
-۶-۳- اعتبار اندازه گیری
-۷-۳- روش تجزیه و تحلیل داده ها

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها

-۱-۴- مقدمه
-۲-۴- تحلیل داده ها

..... ۴-۲-۱- تحلیل داده ها با استفاده از آمار توصیفی

..... ۴-۲-۲- تحلیل داده ها به استناد از آمار استنباط

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

..... ۵-۱- مقدمه

..... ۵-۲- نتایج

..... ۵-۳- محدودیتهای اجرای پژوهش

..... ۵-۴- پیشنهادات پژوهشی

..... ۵-۴-۱- پیشنهادات پژوهشی برای پژوهشگران

..... ۵-۴-۲- پیشنهادات برای برنامه ریزان آموزش و درس

..... ۵-۴-۳- پیشنهادات کلی

..... ۵-۴-۴- پیشنهادات اجرای برای معلمان

پیوست ها

..... پیوست الف) پرسشنامه

..... پیوست ب) اطلاعات مدارس در سال تحصیلی ۸۳-۸۲

فهرست منابع

..... منابع فارسی

..... پایان نامه

..... منابع انگلیسی

که مرا شوق درس خواندن داد

ممد برگرد کار یکتا باد

دردل من ممبیت استاد

درس من هوای درس نهاد

تقدیم به ستاره آسمان زندگی:

مادرم که همواره پشتیبان و مشوق من در تمام دوران تحصیلم بوده اند. در آغاز باید خداوند بزرگ را شکرگزار باشم که در انجام این پژوهش یاریم کرد و از تمام معلمان و استادانی که در طول تحصیلاتم از محضر آنها بهره فراوان برده ام صمیمانه تشکر می نمایم. از استاد راهنما جناب آقای دکتر عیسی ابراهیم زاده که با هدایتهای موثر خود باعث غنای این پژوهش شده اند سپاسگزاری می کنیم. همچنین از جناب آقای دکتر مهران فرج اللهی و جناب آقای دکتر سرمدی بخاطر راهنمایی های ارزنده شان تشکر می نمایم. سرانجام از تمام کسانی که مرا در انجام این پژوهش یاری کردند صمیمانه تشکر و قدردانی می نمایم.

فصل اول

مقدمه:

عصر انفجار اطلاعات، پیشرفت علم و گسترش دامنه علوم مختلف، ضرورت کسب معلومات بیشتر و بادوام تر در زمان کوتاه تر را اجتناب ناپذیر می سازد. بنابراین یکی از وظایف متخصصین تعلیم و تربیت شناسایی شیوه های مناسب جهت یادگیری سریع تر و بهتر دانش آموزان و دانشجویان و استفاده بهینه فراگیران از زمان محدود آموزش می باشد. البته این امر در طول تاریخ تعلیم و تربیت مورد توجه متخصصین این علم بوده است، همچنین بسیار مفید است که فراگیران علاوه بر کسب مهارتها و اطلاعاتی که به صورت رسمی به آنها ارائه می شود برای یادگیری و تجربه نمودن روش های ارتباط با دیگران و همچنین ایجاد یک دیدگاه مثبت و منطقی از خودشان به عنوان یک انسان نیز از مدرسه استفاده نمایند (آرنسون،¹ ۱۹۷۸)

متخصصین تعلیم و تربیت در تلاش برای ارائه روش های مناسب و مفید جهت استفاده بهینه از فرصتها و امکانات آموزشی در راستای یادگیری بهتر، عمیق تر و سریع تر ضمن مخالفت با تعاریف قبلی تدریس که آن را انتقال معلومات می دانستند، تدریس را کمک برای تفهیم و درک مطالب می دانند، چون وظیفه اساسی و اصلی معلم در تدریس راهنمایی دانش آموزان برای یادگیری است. لذا معلم باید با استفاده از شیوه های گوناگون در موقعیت های مختلف، دانش آموزان را فعالانه بامطالب مورد مطالعه و موقعیت های یادگیری درگیر نماید. (همان منبع)

¹ - Aronson (1978)

بیان مساله

عامل مهم در فرایند یادگیری نقشی است که در جریان یادگیری به عهده یادگیرنده یا دانش آموز گذاشته می شود. اغلب معلمان متوجه نقش دانش آموز و فعالیت او در جریان یادگیری نیستند، در حالی که برای یادگیری معنادار و فعال، دانش آموز باید شخصاً در مقابل مسائل قرار گیرد و با ذهن فعال به حل مسائل اقدام کند. یادگیرنده بایستی شخصاً به نکته های درسی توجه کند و در نهایت به نتیجه مطلوب برسد. در واقع نقش اصلی در فرایند یادگیری به عهده یادگیرنده است و معلم تنها به عنوان راهنما و تسهیل کننده عمل می کند. دیوئی^۱ (۱۹۱۰) نیز تاثیر روش های یاددهی - یادگیری مشارکتی (روش فعال) و عامل تجربه در امر آموزش را مهم می داند و اظهار می دارد که یادگیری وقتی موثر و سودمند است که یادگیرنده در این فرایند فعالیت اصلی را به عهده داشته باشد. پیاژه^۲ (۱۹۷۷) نیز از جمله کسانی است که به اهمیت روش های فعال پی برده و به کارگیری آنها را توصیه کرده است و ایشان روش های فعال (یاددهی - یادگیری مشارکتی) را بهترین روش برای شکوفایی شخصیت دانش آموزان می دانند (کنعانی، ۱۳۷۸)

یکی از کاستی های مهم و اساسی در نظام های آموزشی، به خصوص نظام آموزشی ما بی اعتنایی به روش های یاددهی یادگیری مشارکتی در فرایند یادگیری است به همین سبب کیفیت آموزشی از سطح مطلوبی برخوردار نیست و دانش آموزان علاقه زیادی به تحصیل نشان نمی دهند، تاکید بیش از حد بر حافظه نیز سبب شده است که اغلب دانش آموزان مطالب را حفظ و در جریان امتحانات عیناً تحویل داده، سپس فراموش کنند. در نتیجه، نمی توانند پس از پایان تحصیل نیز مهارت های لازم را کسب نمایند.

^۱ - Deweg (1910)

^۲ - Piaget (1977)

به طور کلی یکی از اصول مهم یادگیری، فعالیت یادگیرنده است و یادگیری صحیح بدون فعالیت یادگیرنده تحقق نمی یابد. ایجاد توانایی، خلاقیت، آفرینندگی، ابتکار و حل مساله در دانش آموزان با استفاده از رویکردهای یاددهی یادگیری مشارکتی میسر است. بر خلاف روش تدریس سنتی که در آنها معلم نقش فعالی در جریان تدریس به عهده دارد و مطالبی را که معمولاً از قبل تعیین شده است را بطور شفاهی در کلاس بیان می کند، در روش تدریس مشارکتی تنها معلم گوینده مطالب نیست دانش آموزان نیز در جریان آموزش فعال می باشند و تعامل بین معلم و دانش آموز است که فرایند یاددهی - یادگیری را هدایت می کند.

فرضیه های تحقیق:

- ۱- یادگیری مشارکتی نسبت به یادگیری سنتی اثر بخش تر است.
- ۲- گرایش یادگیرنده، در بهره گیری وی از یادگیری به روش پژوهش فردی موثر می باشد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

هر ساله علی رغم صرف وقت و هزینه های زیاد توسط آموزش و پرورش و خانواده ها، افت تحصیلی در دروس متفاوت و در مقاطع مختلف تحصیلی وجود دارد و این ضعف یادگیری، در بعضی از دروس مشهودتر بوده و اثرات مخرب تری در مقاطع تحصیلی بالاتر دارد. این موضوع به عنوان یک مشکل توجه متخصصین تعلیم و تربیت، والدین، برنامه ریزان آموزشی و جامعه را به خود معطوف داشته است. در این راستا، بعضی ها فقدان انگیزه و کمبود امکانات آموزشی، سهل انگاری خانواده ها یا ناکارآمد بودن روش های تدریس را از علل اصلی این مشکل می دانند. اما چون تقریباً در بیشتر مدارس، از روش یادگیری انفرادی از جمله روش سخنرانی

در تمامی دروس و مقاطع تحصیلی استفاده می کنند و کمتر به روش های یادگیری گروهی از جمله روش یادگیری مشارکتی توجه می شود این موضوع نیز می تواند یکی از علل عمده افت تحصیلی محسوب شود (قدرتی، ۱۳۸۰)

در روش یاددهی - یادگیری سنتی معلم فعال می باشد در روش یاددهی - یادگیری مشارکتی معلم صرفاً یک منبع تسهیل کننده است و دانش آموزان را وادار به مشارکت فعال در فرایند یادگیری می کند در حقیقت مسئولیت عمده به دانش آموزان واگذار میشود. چنین مشارکت فعالی، منجر به یادگیری بهتر و عمیق تر مطالب می شود. تحقیقات دو دهه اخیر نشان داده است که این روش می تواند جایگزین مناسبی برای یادگیری مرسوم فعلی باشد^۱.

همچنین تحقیقات سه دهه اخیر بسیاری از امتیازات و برتری های این روش یادگیری را نسبت به روش های سنتی آشکار ساخته است. البته علی رغم این که بسیاری از تحقیقات انجام شده موید تاثیر مثبت یادگیری مشارکتی بر بعضی از جنبه های تحصیلی، عاطفی و رفتاری می باشد ولی هنوز هم تناقضات جدی بین یافته های تحقیقات مختلف وجود دارد (اسلاوین، ۱۹۸۴).

با توجه به ضعف تحقیقات در خصوص فنون مختلف یادگیری مشارکتی در مقاطع مختلف تحصیلی در ایران، انجام تحقیقات گسترده در خصوص بررسی اثر بخشی رویکردهای یاددهی - یادگیری مشارکتی بر موقعیت تحصیلی در مقاطع مختلف و مقایسه آن با رویکردهای سنتی ضروری به نظر می رسد.

جریان یادگیری امری دائمی است که کل شخصیت فرد در آن دخالت دارد. بعضی معلمان ناخودآگاه راهبردهای یاددهی - یادگیری خود، انباشت ذهن دانش آموزان از مطالب را مهم تلقی می کنند، حال آن که با آموزش صحیح راهبردهای یاددهی - یادگیری مشارکتی به معلمان، می توان به جای اینکه دانش آموزان را در دوره های مختلف تحصیلی به حفظ مطالب

^۱ - Rabert Eslavin (1984)

علمی و انباشتن ذهن خود وادار و در پایان محفوظات آنها را اندازه گیری کرد، سعی کند از راه مطالعه شیوه های درست و علمی تغییرات اساسی در طرز تفکر، تمایلات و قضاوت آنها به وجود آورد. توجه نداشتن به رویکردهای یاددهی - یادگیری مشارکتی، یادگیری طوطی وار وسطحی را به دنبال دارد. زیرا در روش سنتی یا غیر مشارکتی مطالب آموختنی با اینکه به صورت سازمان یافته به یادگیرنده عرضه می شود اما یادگیرنده فقط به صورت منفعل مطالب را می پذیرد و ضرورتی برای مرتبط ساختن آن مطالب با آموخته های قبلی خود احساس نمی کند. در حالی که در روش های مشارکتی یادگیرنده خود سعی در کشف مطالب می کند و با استفاده از راه های جدید به حل مساله و رفع مشکل یادگیری نائل می آید و در عین حال کوشش می کند راه حل ها و نتایج و یافته های به دست آمده را به نوعی با یادگیری ها و تجربه های قبلی خود ارتباط دهد و آنها را در ساختار شناختی قبلی اش ادغام کند.

اهداف پژوهش

این مسئله که چگونه می توان در موضوعات درسی روش های آموزش و یادگیری مناسب را به منظور کسب حداکثر نتایج در پیشرفت تحصیلی و اثربخشی کامل در یادگیری به کار گرفت می تواند یکی از مسائل مهم آموزش و یادگیری باشد زیرا در بسیاری از اوقات علل اصلی عدم پیشرفت تحصیلی دانش آموزان نه توانمندی آنان بلکه روش های آموزش و یادگیری آنها می باشد. بنابراین، تعجب آور نیست که بدانیم اصولاً همه دروس به یک روش آموزش داده نمی شوند و مهمتر از آن اینکه دانش آموزان هم بدون توجه به اینکه هر موضوع یا درس روش خاص یادگیری خود را دارد همه دروس را به یک روش یاد می گیرند. لذا با توجه به روش آموزش و یادگیری هر درس می توان میزان یادگیری و در نتیجه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را بهبود بخشید. از مهم ترین هدف های کلی این تحقیق عبارتند از:

۱- نشان دادن اهمیت و ارزش رویکرد یاددهی - یادگیری مشارکتی

۲- ایجاد نگرش مثبت در معلمان نسبت به استفاده از این رویکرد

۳- تقویت روحیه همکاری و تعاون در دانش آموزان

کاربرد پژوهش

بر اساس تحولات فزاینده و لزوم تغییر و تحول در زمینه یاددهی - یادگیری و هم چنین برای رویارویی با دگرگونی ها و کاربرد آموخته ها در زندگی روزمره، تغییرات بنیادی در زمینه یاددهی - یادگیری صورت گرفته است. پژوهش های منظم در زمینه ارائه روش های مناسب یادگیری در پایه های مختلف تحصیلی می تواند، نقطه آغاز باشد و نیز از نظر کاربرد علمی، این پژوهش می تواند چهارچوبی برای آموزش و یادگیری بر اساس واگذاری مسئولیت یادگیری به خود یادگیرنده باشد که به صورت گروهی به فعالیت می پردازند. به این ترتیب یافته های این پژوهش می تواند برای معلمان و دست اندرکاران نظام آموزش و کسانی که به هر صورت با فرایند یاددهی- یادگیری سرو کار دارند، کاربردهای مفیدی داشته باشد.

تعریف عملیاتی واژه ها و اصطلاحات

تدریس (یاددهی): *Teaching*

از تدریس تعاریف مختلفی به عمل آمده که هر کدام از دیدگاه خاصی آرایه شده اند، مثلاً فرمهبینی فراهانی (۱۳۷۸) آن را فعالیتی می داند که سبب یادگیری می شود. اگر نتیجه تدریس با یادگیری همراه نباشد می توان گفت امر تدریس صورت نگرفته است. شعاری نژاد (۱۳۶۴) هم تدریس را فراهم آوردن شرایط، اوضاع و احوالی می داند که یادگیری را برای دانش آموزان یا دانشجویان در داخل و خارج مدرسه آسان می سازد.

« بعضی هم تدریس را بیان صریح معلم درباره آنچه باید یاد گرفته شود و یا هم ورزشی متقابلی می دانند که بین معلم و شاگرد و محتوا در کلاس درس جریان دارد.»

« در واقع تدریس را می توان سلسله فعالیتهای منظم که در عین متنوع بودن از طریق تعامل میان یاددهنده و یادگیرنده در جهت یادگیری صورت می گیرد» (ابراهیم زاده، ۱۳۸۴، ۳۱).

یادگیری: Learning

رفتارگرایان یادگیری را « تغییر در رفتار قابل مشاهده و اندازه گیری» تعریف کرده اند ولی از دیدگاه مکتب گشتالت یادگیری عبارت است از کسب بینش های جدید یا تغییر در بینش های گذشته است. (سیف، ۱۳۶۸، ۴۸)

جامع ترین تعریفی که تاکنون از یادگیری ارائه شده، تعریف هیلگارد و مارکوئیز است: « یادگیری عبارت است از فرایند تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه فرد بر اثر تجربه » (همان منبع).

یاددهی - یادگیری:

گروهی بر این باورند که تدریس و یادگیری دو مفهوم مجزا است و از آنجا که اصطلاح یاددهی - یادگیری، لزوم تحقق یادگیری پس از تدریس را به ذهن متبادر می سازد؛ کاربرد آن در فرایند تحقیق تربیتی منطقی نیست. در مقابل برخی از متفکران تدریس و یادگیری را در هم تنیده تلقی می کنند و معتقدند نوعی ارتباط وجودی میان آنهاست. بنابراین تفکیک آنها را جایز نمی دانند.

نظر سوم، ضمن قبول تمایز تدریس و یادگیری، و تاکید بر وجوه اشتراک آنها، هریک از آنها را خرده نظامی از یک نظام اجتماعی کلی تر تحت عنوان نظام آموزشی تلقی می کند.

بنابراین از حدود نظام یاددهی - یادگیری فراتر رفته، تاکید می کند که نه یادگیری و نه یاددهی (تدریس) در حدود نظام یاددهی یادگیری قابل تبیین نیستند. به این ترتیب می توانیم رویکرد یاددهی - یادگیری را به عنوان یک مفهوم واحد تعریف کنیم. رویکرد یاددهی - یادگیری عبارت است از الگوی مواجهه عمدی معلم و شاگرد در یک محیط آموزشی به منظور تحقق هدف های معین، عناصر اصلی الگو عبارتند از:

۱- توالی فعالیت معلم و شاگرد به صورت مرحله ای

۲- یاددهنده

۳- یادگیرنده

۴- نحوه ارتباط یاددهنده و یادگیرنده (مهرمحمدی، ۱۳۷۹)»

یادگیری فعال: **Active learning**

نوعی یادگیری که از روی قصد و با علاقه و آمادگی زیاد انجام می گیرد (فرمهینی

فراهانی، ۱۳۷۸)

یادگیری غیرفعال (انفعالی، پذیرا): **Passive Learning**

نوعی یادگیری که در آن، دانش آموز، میل و کوشش برای یادگیری نشان نمی دهد (

فرمهینی فراهانی، ۱۳۷۸)

یادگیری مشارکتی: **Learning**

مشارکت در تربیت، شرکت و همکاری یادگیرندگان با یاد دهندگان در وظایف و

مسئولیت های مربوط به فعالیت های مدرسه است (فرمهینی، ۱۳۷۸)

رویکرد یاددهی - یادگیری مشارکتی:

منظور از رویکرد یاددهی - یادگیری مشارکتی آن نوع یادگیری است که با حداقل دخالت عامل خارجی صورت پذیرد. به عبارت دیگر معلم، کتاب درسی یا هروسيله دیگری فقط عوامل تسهیل کننده یادگیری باشند. رویکرد یاددهی - یادگیری مشارکتی، یادگیری اثربخشی است که یادگیرنده بطور فعال در عمل یادگیری خود درگیر بوده و فرایند یادگیری در کنترل خود او باشد. (گرین، ۱۹۹۹)

اثربخشی: Effectiveness

عبارت است از میزان تحقق اهداف و انجام موفقیت آمیز ماموریت. به تعبیر دیگر اثربخشی عبارت است از عملکرد و کارایی مطلوب در تخصیص منابع و انجام موفقیت آمیز ماموریت (فرمهینی فراهانی، ۱۳۷۸)

فصل دوم

بخش اول: مبانی نظری تحقیق

مقدمه:

تحقیق در زمینه یادگیری مشارکتی از اوایل قرن حاضر و در حدود دهه ۱۹۲۰ میلادی به سرعت رو به افزایش نهاد. این تحقیقات اثر یادگیری مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی را در همه سطوح و در انواع مدارس در بسیاری از کشورها مورد بررسی قرار داده اند (مبینی، ۱۳۷۷) رویکرد یادگیری مشارکتی در حقیقت به عنوان راه حل مقابله با انبوهی از مشکلات آموزشی پیشنهاد شده است. از این یادگیری غالباً به عنوان وسیله ای برای بهبود ارتباط دانش آموزان به منظور ایفای نقش در فعالیت های گروهی و مشارکتی یاد می شود (همان منبع)

گیج و برلاینر^۱ (۱۹۸۴) نیز در نوشته های خود از آموزش به صورت کارگروهی صحبت کرده اند، و بیان می کنند که آموزش به صورت کارگروهی، فعالیتی سنجیده و منظم درباره موضوع یا مساله های خاص می باشد در چنین فعالیتی معمولاً موضوع یا مساله خاصی از طرف معلم مطرح می گردد و دانش آموزان به صورت گروه های کوچک درباره آن به مطالعه، اندیشه، بحث و اظهار نظر می پردازند.

در این روش، برخلاف سایر روش ها، دانش آموزان در فعالیت های آموزشی فعالانه شرکت می کنند و مسئولیت یادگیری را برعهده می گیرند. آنها با مذاکره و مباحثه، اطلاعات خود را مبادله می کنند و در مورد راه حل های مسائل به قضاوت می نشینند و از اندیشه و نگرش های یکدیگر با ذکر دلایل متکی بر حقایق، مفاهیم و اصول علمی دفاع می کنند (گیج و برلاینر، ۱۹۸۴).

^۱ - Gage and Berliner (1984)

درفرآیند چنین فعالیتی دانش آموزان، توانایی لازم را برای تجزیه و تحلیل و ارزیابی عقاید، اندیشه و اعتقادات خود و دیگران چه درست و چه نادرست کسب می کنند. این روش به شاگردان فرصت می دهد تا نظرها، عقاید و تجربیات خود را با دیگران در میان بگذارند و اندیشه های خود را با دلایل مستند بیان کنند. در حقیقت دربه کارگیری روش یاددهی - یادگیری به صورت فعالیت گروهی دو هدف دنبال می شود:

۱- اصلاح و تقویت درک و فهم مهارت های تفکر دانش آموزان

۲- اصلاح و تقویت مهارت های همکاری گروهی واحترام به اندیشه های مختلف

یکی از اشکال بسیار مفید فعالیت گروهی « یادگیری مشارکتی » می باشد. نظریه پردازان یادگیری مشارکتی بر این باورند که مهارت های مهم نظیر صحبت کردن، گوش دادن و حل مساله می تواند از طریق تجارب یادگیری مشارکت تقویت گردد. در یادگیری مشارکتی موقعیتی فراهم می گردد که در آن دانش آموزان یکدیگر را به عنوان گروه همکار تجربه می کنند و در فرایند تجربه یاد می گیرند که دانش و توانایی های یکدیگر را مورد بررسی قرار دهند آنها را تایید یا رد کنند و به اندیشه های یکدیگر احترام بگذارند و دوستی های خود را فراتر از دوستی های قوی، نژادی، جنسی و دیگر تقسیمات گروهی گسترش دهند (اسلاوین، ۱۹۸۴)

در این الگو همه دانش آموزان برای دست یابی به موفقیت، فرصت برابر دارند، اعضای گروه، یکدیگر را از طریق تمرین مباحثه آماده می کنند و در نتیجه، این الگو انگیزش بیشتری را نسبت به الگوهای رقابتی فراهم می سازد و می تواند در همه سطوح مختلف تحصیلی و در زمینه ها و موضوعات مختلف اجرا شود (همان منبع، ص ۳۶۶). در تحقیق دیگری اسلاوین^۱ (۱۹۹۲) با جمع بندی تحقیقات انجام شده نشان داده شده است که یادگیری مشارکتی که

^۱ - Rabert E. Slavin (1992)

اساس روش تدریس فعال است باعث تغییرات مطلوب در شخصیت دانش آموزان می شود و بر کیفیت آموزش می افزاید.

همچنین کارآیی معلمانی که با روش تدریس مشارکتی (فعال) آموزش می دهند نسبت به دیگر معلمانی که بر روی انتقال مطالب و معلومات تاکید دارند، بیشتر است. جان دیوئی (۱۹۳۳) نیز بر آن است که بهترین روش آموزش به کاربردن روش پژوهش علمی از سوی خود دانش آموزان است دانش آموزان پس از روبه رو شدن با وضعیت مبهم پرسشی دقیق مطرح می کنند برای یافتن پاسخ به جستجو و گردآوری اطلاعات می پردازند و سرانجام به سنجش و آزمایش پاسخها می پردازند تا از درستی یا نادرستی آن مطمئن شوند.

تاریخچه روش های تدریس:

روش های تدریس و آموزش در جهان سابقه ای به اندازه تاریخ آموزش و پرورش دارد. در گذشته های دور که تعلیم و تربیت محدود بود، اقوام بدوی با روش های علمی راه های به دست آوردن خوراک، تهیه پوشاک و پناهگاه رامی آموختند و تربیتهای دینی، اخلاقی و اجتماعی هم با شرکت در مراسم و جشنهای قبیله ای صورت می گرفت. بنابراین، می توان روش آموختن در این دوره از تاریخ بشر را تقلیدی و عملی نامید.

« در تربیت دینی به تدریج طبقه ای به نام روحانیان پدید آمدند که نخستین معلمان تاریخ بشر محسوب می شدند و تا قرنها، آموزش و پرورش حق ویژه و تحت نظارت آنان بود. با پیدایش طبقه مذکور و اختراع خط و تدوین ادبیات مذهبی، روش های آموزش متحول و آموزش های نظری بر آموزش های عملی اضافه شد. به این ترتیب، در این دوره آموزش و پرورش عبارت بود از آموزش عملی که در خانه انجام می شد و آموزش نظری که طبقه روحانی ضمن اجرای مراسم دینی عهده دار آن بود » (صدیق، ۱۳۴۲، ص ۱۹).

از حدود قرن پنجم قبل از میلاد تا اوایل قرن بیستم میلادی در کشورهای متمدن جهان، مانند اروپا و چین بر آموزش زبان ادبیات و دین تاکید می شد. در اروپا، آموزش زبان و ادبیات تا قرن قبل از میلاد به صورت بلاغی یا معانی بیان و نیز به روش سقراطی صورت می گرفت و از زمان سقراط (۴۷۰-۳۹۹ ق. م) تا ۸۰۰ سال پس از آن، روش تدریس زبان و ادبیات غربی ثابت و پایدار باقی ماند. (نقیب زاده، ۱۳۷۳) در اروپا، هدف عمده آموزش زبان و ادبیات، پرورش مهارت سخنوری بود که این مهارت در سه زمینه دستور زبان، سبک بیان و فصاحت کسب می شد. سابقه زبان و ادبیات در کشور چین نیز به قرن هفتم قبل از میلاد بازمی گردد. چینیان، به همراه زبان و ادبیات، فضیلت‌های اخلاقی را مانند حرمت نهادن به دیگران و مسئولیت پذیری اجتماعی (بامطالعه نوشته های کنفوسیوس) می آموختند. (همان منبع)

تکوین روش تدریس و آموزش

در طول تاریخ آموزش و پرورش، مربیان بزرگی در راه تعالی روش های تدریس و آموزش کوشیده اند و پیشرفت هایی که در این زمینه صورت گرفته، مرهون تلاش های آنان است. به گفته برخی از دانشمندان، نظرات ژان آموس کمنیوس (۱۶۷۰-۱۵۹۲م) مبنای روش تدریس و آموزش به سبک و شیوه نوین در اروپا است. کمنیوس که در دوره رنسانس می زیسته است، نظرات تربیتی خود را در اثری به نام دیداکتیک بزرگ ارائه کرد. پس از او، فیلسوفان و مربیان بزرگی مانند جان لاک (۱۶۳۲-۱۷۰۴) انگلیسی، ژان ژاک روسو (۱۷۱۲-۱۷۷۸م)، فرانسوی (متولد ژنو)، ژان برنارد باردو (۱۷۲۴-۱۷۹۰) آلمانی، ژان هانری پستالوژی (۱۷۶۴-۱۸۲۸م)، سوئیسی، ژان فردریک هربارت (۱۷۲۴-۱۸۴۱) آلمانی، فردریک فروبل (۱۷۸۲-۱۸۲۵) و پیروان آنان، نقش به سزایی در پایه گذاری روش های جدید آموزش و پرورش داشتند.

نهضت آموزش و پرورش پیشرو در اروپا و آمریکا عامل دیگری در تحول و رشد روش های تدریس محسوب می شود. در اروپا مربیانی مانند ماریامونته سوری (۱۸۷۰-۱۹۵۲) ایتالیایی، ژان لیتارت (۱۸۹۵-۱۹۱۶) هلندی، اوید دکرولی (۱۸۷۱-۱۹۳۲) بلژیکی، ژرژ کرشن اشتاینر (۱۸۵۴-۱۹۳۲ م.) آلمانی، روزه کوزیته (متولد ۱۸۸۱) فرانسوی، برتراند راسل (۱۹۸۲-۱۹۷۰) انگلیسی، ماکارنکو (۱۸۸۸-۱۹۳۹) روسی و دیگران از پیشگامان این نهضتند. در آمریکا، نیز فرانسیس پارکر (۱۸۳۷-۱۹۰۲)، جان دیویی (۱۸۵۹-۱۹۵۲)، جونیوس ماریام (متولد ۱۸۷۲)، ماریتا جانسون (۱۸۶۴-۱۹۳۸)، ویلیام هرد کیلپاتریک (۱۸۶۵-۱۹۵۰) و انجمن های مختلف، نهضت آموزش و پرورش پیشرو را بر پا داشتند. مدارس تجربی اروپا و آمریکا نیز که در راستای نهضت آموزش و پرورش پیشرو تلاش می کردند سهم به سزایی در ترویج روش های جدید آموزش و پرورش داشتند.

مربیان و بنیان گذاران نهضت آموزش و پرورش پیشرو، هدفها و رویکردهای کلی زیر را در مدارس تجربی دنبال می کردند که به وضوح بیانگر ماهیت روش ها و فنون جدید در تعلیم و تربیت بوده اند:

- ۱- آزادی عمل دانش آموزان در انجام دادن کلیه فعالیت های آموزشی
- ۲- فعال بودن دانش آموزان و یادگیری توأم با عمل و تجربه مستقیم
- ۳- آمیختن برنامه های آموزشی با تجربه های واقعی زندگی اجتماعی دانش آموزان
- ۴- تاکید بر فعالیت های خلاق دانش آموزان، مانند نویسندگی، نمایشنامه نویسی، داستان نویسی، داستان گوئی، سرودن شعر، سخنرانی، نقاشی و موسیقی
- ۵- توجه داشتن به تفاوت های فردی دانش آموزان درامیادگیری و نیز استفاده از اصول روانشناسی برای رشد همه جانبه شخصیت آنان
- ۶- برقراری انضباط خود جوش به جای انضباط تحمیلی